هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب تودهٔ ایران) سال سوم، شمارهٔ ۴۱، شنبه ۱۱ شهریورماه ۱۳۵۷

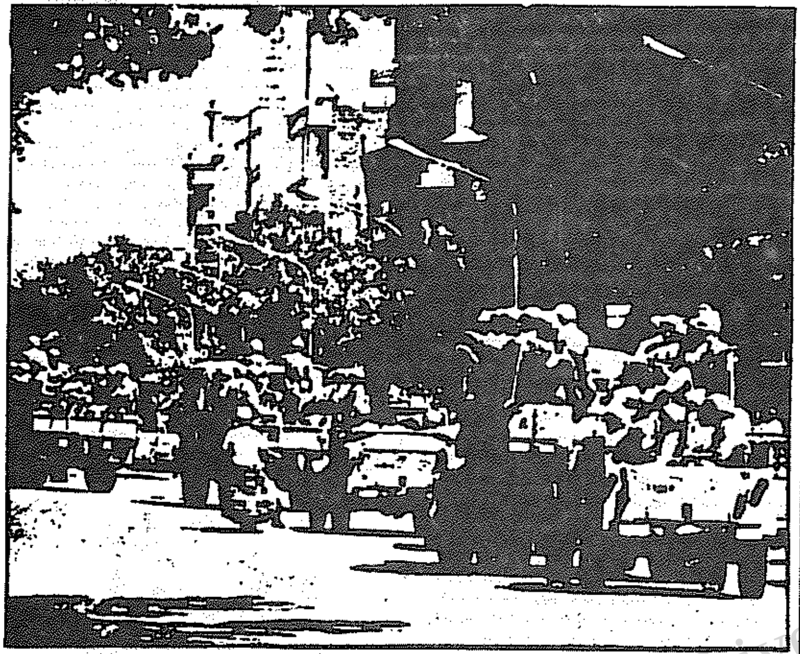

خیابان‌ها در اشغال نیروهای نظامی شاه

رژیم شاه فرو می‌ریزد

سقوط دولت آموزگار و روی صحنه آمدن عروسک خیمه شب بازی دیگری چون شریف امامی از دو نقطه نظر متفاوت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. نخست این که بنای استبداد در حال لرزیدن و واریختن است و زیر فشار بحران خرد کننده و علاج ناپذیری که هر دم بر طول و عرض و عمق آن افزوده می‌شود چاره‌ای جز عقب نشینی و تدارک راه‌ها و مانورهای تازه برای خود نمی‌بیند. و دوم این که شاه می‌خواهد با کمترین فراست و جزئی‌ترین تغییر و بی‌مایه‌ترین نمایش به ضرورت‌های حیاتی تحول و دگرگونی‌های بنیادی که زلزله‌وار جامعه را می‌لرزاند پاسخ دهد. اما این خیمه شب بازی با همهٔ موذیگری و زیرکی حساب شده‌ای که در آن به کار رفته، سرانجام ناشیانه است و بی دورنما. این که چرا شاه به اصطلاح از میان پیشخوران حزبیش را انتخاب کرده و مهرهٔ شناخته شده و بی‌اعتباری چون رئیس مجلس سنای فرمایشی خود را به کار گرفته است، همه دلایل زیرکی ناشیانه ابراز می‌دارد. او مهره‌ای را انتخاب کرده که داغ نوکری آریامهر بر جبینش نقش بسته. به این ترتیب وانمود می‌کند آنچه را که مردم از او می‌گیرند، عقب نشینی‌هایی را که جنبش سراسری و رو به اعتلای انقلابی خلق به او تحمیل می‌کند، به میل خود می‌دهد و در واقع این نوعی اکرام شاهانه است. از طرفی شاه و رژیم مبارکش چنان منزوی و منفور شده که این وحشت وجود دارد که سپردن قدرت به شخصیتی که کمترین وجاهت ملی و حیثیت و اعتبار مردمی داشته باشد ـ به این ترتیب در سلک چاکران درگاه و بندگان بی‌اراده و غرور دربار قرار نگیرد ـ موقعیت سلطنت او را به طور جدی در معرض تهدید قرار دهد. از این دو مورد که بگذریم اصولاً شاه نه می‌تواند اعتقادی به تحول داشته باشد و نه می‌خواهد به پیشباز چنین خطری برود. چنین است که بردن آموزگار و آوردن شریف امامی به طور تصویر بدون تغییر، تحول بی‌تحول و به عبارت دیگر دور خود چرخیدن است.

نخست وزیر جدید که از ۱۵ سال پیش ریاست سنا را به عهده داشته و به عنوان یکی از عاملان اصلی رژیم استبداد سلطنتی و پایه‌ای نظام مخوف پلیسی و آلت سیاه و حرص اختناق آن عمل کرده است، ناگهان به شبه یک لیبرال طرفدار ارتقای اساسی، یک آزادیخواه اصلاح طلب و مصلح از آب درآمده است. شگفتا! مگر در این مدت کوتاه چه روی داده که ابلیس را به توبه و مأمور استبداد را به مرشد آزادی مبدل ساخته است؟ جز این است که حکومت کنندگان دیگر قادر نیستند به سیاق گذشته حکومت کنند و حکومت شوندگان ادامه شیوه‌های پیشین حکومت را نمی‌پذیرند؟ توفان آغاز شده. کارگران کارخانه‌ها و مبارزان در کوچه و خیابان با شگفتی از هم می‌پرسند: آیا انقلاب آغاز شده است؟

و در این فضایی که سرشار از انتظار و تطلع دگرگونی بنیادی است و سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، دژخیم و گزمه و زندانبانان هم ناچارند لباسهای خود را عوض کنند. اما فقط لباسهایشان را ... ظهور دولت مستعجل شریف امامی در این متن پر تلاطم اجتماعی بیشتر و بیشتر قابل درک است. به عنوان اولین سؤالی که مطرح می‌شود اینست:

ـ اگر تغییر شرایط و فشار ضرورت‌ها مهره‌های رژیم را به گشایش به اصطلاح فضای سیاسی واداشته است، چه تضمینی وجود دارد که در اولین فرصت مناسب مغول‌ها دوباره زنجیر خود را پاره نکنند و به جان مردم نیفتند. گرچه هنوز هم به هیچ وجه از جان مردم دست برنداشته‌اند. این سؤال موجه و عقلایی را دلایل و شواهد بی‌شماری تائید و تقویت می‌کند. سخن از آزادی و آزادسازی بسیار است. اما تمامی نهادهای استبداد و ترور و سرکوب چون سنگ بنا بر جا مانده‌اند. ساواک همچنان سایه پلیسی خود را بر سر تمام امکانات دولتی و غیر دولتی گسترده و منظم‌ترین و بی‌حساب‌ترین بودجه و نامحدودترین اختیارات در سرکوب و آدمکشی بر کشور گسترده است. دادگاه‌های نظامی به مثابه ابزار دیکتاتوری، فارغ از هر اصول و قانون و معیاری عمل می‌کنند. سیاستهای ضد ملی، ضد خلقی مرکز قدرت مطلقه فردی همچنان پابرجاست. مجلسین فرمایشی تکالیف بیش نیستند و قوه قضائیه در چنگ قوه مجریه به نعش سیاه شده‌ای مبدل شده. با این زمینه‌ها و بنیادهای عینی چگونه می‌توان دم از آزادسازی زد؟ چگونه می‌توان این ادعاها را پذیرفت و باور کرد؟

مگر نه این که نظام استبدادی انعکاس شرایط اقتصادی و مناسبات اجتماعی و چگونگی توازن نیروهای طبقات و قشرهای مختلف است؟ استبداد پدیده‌ای انتزاعی نیست، پیوسته و شکل نوعی از حاکمیت طبقاتی است که در تمامی جوامع منقسم به طبقات متضاد، بر اقلیتی ممتاز و بدون پایگاه ملی تکیه دارد. وقتی پایه و شرایط عینی استبداد دست نخورده باقی می‌ماند، چطور می‌توان انتظار داشت که آثار و نتایج آن به گور سپرده شود؟ وقتی علت پابرجاست، دل خوش کردن به کم رنگ شدن معلول تنها ساده لوحی کودکانه است.

دنباله در صفحه ۲

کارگران ایران، در راه احیای حقوق سندیکایی خود مبارزه کنید!

اینک پس از ۲۵ سال از انتشار سند بین‌المللی مصوب سال ۱۹۵۴ سندی تحت عنوان «اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی» تصویب و انتشار داده است تا در سراسر جهان برای مبارزه در جهت تحصیل و همبستگی سندیکاها به مثابه پایه مورد استفاده قرار گیرد و به تقویت سازمان سندیکایی همه کشورها یاری رساند.

در این سند گفته می‌شود با آن که در عرصه بین‌المللی اصول آزادی‌های سندیکایی که باید در همه کشورها مراعات گردد بیش از پیش به رسمیت شناخته می‌شود، به ویژه علی‌رغم آن که مقاوله نامه‌های بین‌المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقاوله نامه‌های مربوط به حقوق بشر، آزادی‌ها و حقوق سندیکایی را تائید می‌کنند، معذالک حقوق زحمتکشان در صنعت و کشاورزی و حقوق سازمانهای آنها از جانب دولتهای مرتجع و کارفرمایان سیستماتیک و آشکارا پایمال می‌گردد.

بخشی از حقوق سندیکایی زحمتکشان را آن چنان که در اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی آمده است در نظر بگیریم:

ـ زحمتکشان حق دارند آزادانه بدون کسب اجازه گرد هم آیند، درباره کلیه مسائل مورد علاقه خود بحث و اظهار نظر کنند.

ـ زحمتکشان از آن جمله کارمندان دولت حق دارند سندیکا تشکیل دهند، به سازمانهای سندیکایی موجود بپیوندند، بدون اجازه و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان در هرگونه فعالیت سندیکایی شرکت نمایند.

ـ اعضای سندیکا آزادانه اساسنامه سندیکای خود را تنظیم می‌کنند و طرز کار و فعالیت‌های سندیکا را بدون دخالت و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان سازمان می‌دهند.

ـ اعضاء سندیکا حق دارند بر طبق اساسنامه سندیکا رهبران خود را انتخاب کنند و به عضویت ارگان‌های رهبری سندیکایی انتخاب شوند.

ـ زحمتکشان حق دارند برای دفاع از منافع خود در هرگونه عمل سندیکایی اعم از اعتصاب، تحریم، تشکیل گروه انتظامات اعتصاب (پیکت)، اشغال محل کار، تظاهرات خیابانی و اشکال دیگر مبارزات سندیکایی شرکت جویند.

ـ زحمتکشان حق دارند برای ابراز همبستگی به اعتصاب بپیوندند یا اقدامات دیگری که مناسب می‌دانند دست زنند و به این مناسبت نباید مورد بازخواست، اخراج یا تنبیه قرار گیرند.

ـ زحمتکشان حق دارند مطبوعاتی را که مایلند به دست آورند، مطبوعات و نشریات سندیکایی و کارگری را پخش کنند، به فعالیت‌های سندیکایی مبادرت ورزند و بدون دخالت مقامات دولتی و کارفرمایان آموزش سندیکایی مورد پسند خود را کسب نمایند.

ـ زحمتکشان حق دارند به سازمان سندیکایی مراجعه نمایند و در کلیه مسائل مربوط به دفاع از منافع و حقوق فردی و جمعی خود از آن کمک گیرند.

ـ همکاری حزبی یا فعالیت زحمتکش به هیچ وجه نمی‌تواند مانع برخورداری وی از تمام حقوق سندیکایی گردد.

این حقوق که در هر کشور دموکراتیک کاملاً ابتدایی به حساب می‌آید، در ایران تحت رژیم استبدادی محمدرضا شاه پایمال می‌گردد. اعتصابات، حتی در مسجدها به گلوله بسته می‌شود. کارمندان دولت حق تشکیل سندیکا ندارند. اساسنامهٔ سندیکاها باید به تصویب وزارت کار و ساواک برسد. رهبران سندیکاها از طرف ساواک منصوب می‌شوند. تظاهرات مسالمت آمیز زحمتکشان و اعتصابات آنها به خون کشیده می‌شود. زحمتکشان فقط مطبوعاتی را که ارگانهای سازمان امنیت گذشته و از شاه مدیحه سرایی می‌کند می‌توانند به دست آورند و آموزش سندیکایی تنها تا حدودی که وزارت کار در چارچوب تبلیغ همکاری طبقاتی و فریب کارگران لازم می‌داند انجام می‌گیرد. از رژیمی که شیوه‌های فاشیستی را به کار می‌برد جز این هم نمی‌توان انتظار داشت.

به موجب مندرجات اعلامیهٔ جهانی حقوق سندیکایی در رژیم دموکراتیک:

ـ سندیکاها حق دارند به نمایندگی زحمتکشان بر طبق اساسنامه‌ای که خود آنان آزادانه تنظیم و تصویب کرده‌اند بدون دخالت یا کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان فعالیت نمایند. سندیکاها شخصیت حقوقی دارند.

ـ سندیکاها حق دارند طرز انتخاب رهبران و ارگان‌های اجرایی خود را آزادانه تعیین کنند، اداره امور داخلی خود را سازمان دهند و برنامه عمل خود را تدوین نمایند.

ـ اداره امور مالی سندیکا فقط حق سندیکاست و مقامات دولتی و کارفرمایان حق دخالت و کنترل آن را ندارند. اموال و دارایی سندیکا را به هیچ عنوان نمی‌توان مصادره کرد.

دنباله در صفحه ۲

پیروز باد مبارزهٔ قهرمانانهٔ مردم ایران علیه استبداد سلطنتی محمدرضا شاه

www.iran-archive.com

کارگران ایران، در راه احیای حقوق سندیکایی خود مبارزه کنید!

- سندیکاها وکلیه حرف ها و مشاغل حق دارند در ... [illegible] ... تشکیل دهند و یا به فدراسیون‌های موجود بپیوندند.
- سندیکاها حق دارند با شرکت در فدراسیون‌ها و سندیکاهای صنایع، حرفه‌ها و مشاغل گوناگون کنفدراسیون‌های کشوری تشکیل دهند.
- سازمان‌های سندیکایی حق دارند به منظور دفاع از منافع و حقوق زحمتکشان درباره اقدامات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دولت اظهار نظر کنند و در مورد کلیه مسائلی که با منافع و حقوق زحمتکشان ارتباط دارد با آن ها به مذاکره بپردازند ... [illegible] ... اقدام کنند.
- سندیکاها حق دارند ... [illegible] ... با مقامات دولتی مذاکره نمایند و با آن ها در مورد ... [illegible] ... جمعی منعقد سازند.
- سندیکاها حق دارند در کلیه موسساتی که به مسائل ... [illegible] ... زحمتکشان ... [illegible] ... برای دفاع از منافع آنان به اقدامات قانونی دست زنند.
- سندیکاها ... [illegible] ... شرکت کنند.
- سازمان‌های سندیکایی باید در کلیه مسائلی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به زحمتکشان مربوط است به ویژه هنگام تنظیم قوانین ... [illegible]
- افرادی که به عنوان نماینده کارگران انتخاب می‌شوند ... [illegible]
- سندیکاها حق دارند ... [illegible]
- سندیکاها حق دارند ... [illegible]

[illegible]

- سازمان‌های سندیکایی حق دارند ... [illegible] ... باشند.
- سازمان‌های سندیکایی حق دارند به بین المللی ... [illegible] ... تشکیل دهند.
- سازمان‌های سندیکایی حق دارند اعتصاب ها را تشکیل دهند و با آن کلیه اقداماتی که به منظور تشکیل اعتصاب به عمل می‌آید پشتیبانی نمایند ... [illegible] ... را مورد بازخواست و تنبیه قرار دهد.
- سندیکاها حق دارند ... [illegible] ... استفاده قرار دهند.
- سازمان‌های سندیکایی حق دارند ... [illegible] ... های دیگر آموزشی و فرهنگی زحمتکشان را سازمان دهند ... [illegible] ... آموزشی، فرهنگی، تفریحی و ورزشی تأسیس و اداره نمایند.

[illegible]

نقل از مجله ... [illegible] ... ۱۳۵۷

با ما تماس بگیرید!

[illegible]

... [illegible] ... ۰۰۴۹ ۸۹ ۷۹۳۳۴۹۹ ... [illegible] ... Bayer ... [illegible]

[illegible]

رژیم شاه فرو می‌ریزد

[illegible]

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!